

تذکره همایون و اکبر

ابوالحسن مبین *

چکیده

کتاب تذکره همایون و اکبر اثر بایزید بیات به زبان فارسی و متعلق به قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی است. بایزید در این اثر با یادآوری خاطرات خود به شرح رویدادهای پیرامون دو پادشاه سلسله گورکانیان هند یعنی همایون و فرزندش اکبر پرداخته است. او وقایع دوران همایون را از سال ۹۴۹ ه / ۱۵۴۲ م و مقارن ورود وی به ایران شروع کرده و تا سال ۹۹۹ ه / ۱۵۹۰ م یعنی سی و پنجمین سال سلطنت اکبر ادامه داده است. این کتاب از منابع مهم در ارتباط با تاریخ سلسله گورکانیان هند و روابط آن با ایران دوران صفوی است که اخیراً در ایران منتشر شده است. در مقاله حاضر سعی شده ضمن بحثی درباره کتاب و دلایل اهمیت آن از لحاظ تاریخی و شرح حال مؤلف و سبک نویسندگی وی، محتوای کتاب و شیوه تصحیح آن نیز مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه: گورکانیان، همایون، اکبر، تذکره همایون و اکبر، بایزید بیات، سبک تاریخننگاری، محتوای کتاب، نسخه خطی، تصحیح کتاب.

معرفی کتاب و ارزش تاریخی آن

همایون پسر ظهیرالدین محمدبابر موسس گورکانیان یا مغولان هند (۱۲۷۵- ۹۳۲ ه / ۱۸۵۸- ۱۵۲۶ م) و دومین پادشاه این سلسله است که در سال ۹۳۷ ه / ۱۵۳۰ م بر تخت سلطنت جلوس نمود. زندگی پرماجرایی همایون، مبارزه با برادران سرکش و نهایتاً مخالفت و جنگ با شیرخان سوری سردار افغانی در سال ۹۴۶ ه / ۱۵۳۹ م،

Email: mobayen2005@yahoo.com

*. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد.

اوضاع سیاسی و اجتماعی دربار هند را دگرگون ساخت. همایون اگرچه در یک بازی سیاسی با شیرخان صلح نمود ولی چون برادران همایون مجدداً سر به شورش برداشتند و شیرخان نقض عهد نمود و طی دو نبرد «چائوسا» و «قنوج» همایون را شکست داد، وی بنا به توصیه برخی از اطرافیان جلای وطن نموده و به دربار شاه تهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ه / ۱۵۷۶-۱۵۲۴ م) پناه آورد. همایون پس از گرفتن کمک از دربار صفوی توانست مجدداً قدرت و قلمروی خود را در هندوستان به دست آورد و این امپراتوری در دوران سلطنت اکبر، پسر و جانشین وی به اوج شکوه و عظمت خود نایل گردید.

به عقیده محمد هدایت حسین مصحح کتاب، روایات و گزارش‌های معاصر بسیار کمی درباره سلطنت همایون وجود دارد. همچنین تعداد نسخه‌های خطی این آثار با ملاحظه این امر که اطلاعات موجود در آنها قابل استفاده و سودمند باشد، بسیار محدود است.^۱ به استثنای تذکرة الواقعات اثر جوهر آفتابه‌چی^۲ (تألیف به سال ۹۹۵ ه / ۱۵۸۷ م) که تعداد اندکی نسخه خطی از آن در فهرست کاتولوگ‌های کتابخانه‌های هند معرفی شده است، هیچ یک از آثار دیگر قابل دسترس و استفاده نمی‌باشند. از همین منظر و به دلیل فقدان منابع اطلاعاتی اصلی، تحقیق درباره تاریخ قرون میانه هند به میزان زیادی با مانع روبرو بوده است. همچنین ظاهراً به همین دلیل است که به عقیده پروفیسور سوکمار رای Sukumar Ray، تاریخ همایون، کمتر از دیگر امپراتوران مغول هند توجه مورخان را به خود جلب نموده است.^۳

پس از تذکرة الواقعات جوهر، تذکرة همایون و اکبر که در سال ۹۹۹ ه / ۱۵۹۱ م تألیف شده است، دارای بیشترین اهمیت می‌باشد، زیرا تذکرة بایزید بیات گزارش یک شاهد عینی است که برای مدت مدیدی در ایران همراه همایون بوده است. اما گزارش بایزید برخلاف گزارش جوهر آفتابه‌چی مفصل نیست. بایزید به طور خلاصه به ذکر وقایعی که مربوط به سفر همایون به ایران و اقامت در دربار صفوی است، می‌پردازد. بر همین اساس خود او نیز از اثر خویش بیشتر تحت عنوان «مختصر» یاد می‌کند.^۴

پس از دو تذکرة مذکور، اثر بارزش گلبدن بیگم تحت عنوان همایون‌نامه از منابع مهم این دوره از تاریخ هند محسوب می‌شود. اگرچه گلبدن خواهر همایون، همراه وی در ایران نبود، ولی اطلاعات خود را از حمیده بانو بیگم همسر همایون که هنگام عزیمت به ایران وی را همراهی می‌کرد، تحصیل نمود و بعدها به خواهرش برادرزاده

خود اکبر شاه آن را در حدود سال ۹۹۵ هـ / ۱۵۸۷ م به نگارش درآورد. وی نخستین زن نویسنده‌ای بود که اثری ارزنده و تاریخی از خود به یادگار گذاشته است. همچنین می‌توان گفت که گلبدن بیگم تنها زن تاریخ‌نویس در سراسر تاریخ ادبی ایران است.^۵ گرچه گزارش وی از سفر همایون به ایران که در سن ۶۶ سالگی تنظیم شده است، ساده، نامنظم و بدون تاریخ می‌باشد. متن این کتاب توسط خانم آ.اس. بوریدج A.S. Beveridye به همراه ترجمه انگلیسی آن در سال ۱۳۲۰ هـ / ۱۹۰۲ م برای نخستین بار به چاپ رسید.^۶

همایون نامه خواندمیر یا قانون همایونی از دیگر منابع مهم این دوره است. این کتاب درباره آیین و آدابی است که همایون در دوران سلطنت خویش مرسوم کرده بود. این اثر بر مبنای نسخه خطی نادر آن، در کتابخانه موزه بریتانیا در لندن به همراه ترجمه انگلیسی آن که توسط دکتر بینی پراشاد Bains Prashad انجام شده، از سوی انجمن سلطنتی آسیای بنگال در سال ۱۳۵۹ هـ / ۱۹۴۰ م به چاپ رسید، قانون همایونی در سال‌های اخیر به انضمام دو اثر دیگر خواندمیر به نام مآثر الملوک و خاتمه خلاصه‌الاجبار با تصحیح مجدد به چاپ رسیده است.^۷

اما اثر بایزید بیات گنجینه گرانبهایی از اطلاعات تاریخی مربوط به دوره سلطنت همایون و اکبر است و از نظر تاریخ دوره همایون ارزش و اهمیت آن به مراتب بیشتر است، زیرا مؤلف آن کسی است که شاهد عینی اغلب وقایع و حوادث آن زمان بوده است و در مورد همایون اطلاعاتش چنان دامنه وسیعی دارد که مورخ دوره بعد، ابوالفضل مبارک در تاریخ بزرگ خود تحت عنوان اکبرنامه از آن استفاده سرشار برده است و می‌توان گفت اغلب کسانی که تاریخ دوره همایون را نوشته‌اند به طور مستقیم یا غیر مستقیم مدیون این کتاب هستند.^۸ خلاصه اینکه تذکره همایون و اکبر از متون موثق و پرارزش تاریخ این دوره می‌باشد.

شرح حال مؤلف

بایزید بیات یکی از خدمتگزاران مخصوص همایون بود که از آغاز زندگی وی اطلاعات زیادی در دست نیست.

آنچه مسلم است او ابتدا در دستگاه حکومتی کامران میرزا برادر همایون خدمت می‌کرد. هنگامی که همایون در سال ۹۵۳ هـ / ۱۵۴۶ م با کمک نظامی شاه تهماسب

پیروزمندانه وارد هند گردید، بایزید به خدمت وی رسید و در اندک مدتی به قدری اعتماد وی را جلب کرد که به منصب «میر بکاول» یا «بکاول بیگی» یعنی داروغه مطبخ شاهی و یا خوانسالاری رسید.^۹

زمانی که بایزید در سال ۹۹۹ هـ / ۱۵۹۱ م شرح وقایع تاریخی زمان همایون را برای منشی شیخ ابوالفضل مبارک در لاهور تعریف می‌کرد، مردی پیر و سالخورده بود، چنانکه می‌گوید:

چون ایام جوانی گذشته و ایام پیری درآمده بود و حافظه را قوت چندانی نمانده - اگر سهوی و نسیانی واقع شده باشد مطالعه کننده‌ها قلم عفو بر جریمه کشند.^{۱۰}

بایزید که خاطرات خویش را پنجاه سال پس از روی دادن وقایع تقریر می‌نمود و از بیماری فلج رنج می‌برد،^{۱۱} قادر به نوشتن نبود و خودآورده است که «بایزید را خطی و سواد نبود و مسوده هم ندانست».^{۱۲}

زمان و مکان الحاق بایزید به همایون دقیقاً مشخص نیست ولی خود او به حضورش در اردوی همایون در تخت سلیمان و در مهمانی‌ها و شکارهایی که شاه تهماسب به مناسبت حضور همایون در ایران برپا کرده بود، اشاره نموده است.^{۱۳}

هنگامی که همایون به قصد دیدار تبریز و اردبیل راهی آذربایجان گردید، بایزید با جداشدن از وی عازم مشهد شد و مدتی را در این شهر گذراند. در بازگشت همایون به نواحی شرقی ایران بایزید مجدداً به اردوی او پیوست و تا چنددهار وی را همراهی نمود.^{۱۴} بایزید مدتی را هم در خدمت حسین قلی میرزا شاملو برادر احمد سلطان شاملو حاکم سیستان که مقام مهرباری همایون را داشت، سپری کرد و غالباً در گزارش‌های خود از او نام برده است.^{۱۵}

سبک نویسنده

خانم بوریج در مقاله‌ای که به بررسی این اثر اختصاص داده و با در نظر گرفتن سبک نگارش آن، این واقعیت را اظهار می‌دارد که بایزید در این ایام شخص پیر و نحیفی بوده که مجبور شده با یادآوری و بیان خاطراتش در مورد ایام سرگردانی و پریشانی همایون، آنها را برای دیگری دیکته کند و به همین خاطر است که مطالب وی فاقد ارتباط منطقی بین جملات می‌باشد.^{۱۶} به عقیده پرفسور سوکمار رأی کتاب تاریخ

مختصر نامنظم و از نظر تاریخ‌نگاری دارای نواقصی است، چنانچه بایزید مکرراً به شرح وقایعی می‌پردازد که مرتبط با موضوع اصلی نمی‌باشد و گاهی اوقات با پرداختن به تاریخی شخصی و خانوادگی خود، ارتباط بین مطالب را به هم می‌زند.^{۱۷} اما باید به این نکته هم توجه داشت که بایزید سواد نداشته و تنها راوی حوادث و وقایع بوده و شخص دیگری که احتمالاً احمد دهلوی کاتب منشی شیخ ابوالفضل مبارک بود،^{۱۸} آن وقایع را به سلک نگارش در آورده است. ظاهراً او نیز به گفته‌های بایزید اکتفا نکرده و در بسیاری از موارد بیانات ساده وی را بنابه روش و سلیقه خویش به سبکی در آورده که نمونه‌ای از عبارت‌پردازی و مغلق‌نویسی منشیانه است و به طور کلی سبک انشای آن یکسان و یک‌نواخت به نظر نمی‌رسد.^{۱۹}

علی‌رغم این مسایل، تذکره همایون و اکبر حاوی اطلاعات تاریخی بسیار باارزشی است نظیر فهرست دقیقی که بایزید از پیروان و همراهان همایون در سفر به ایران ارائه می‌دهد.^{۲۰} همچنین با اینکه اساس کار آن بر شیوه اختصار و خلاصه‌نویسی است ولی متن کامل فرمان شاه تهماسب به حاکم خراسان را به لحاظ اهمیت و احترامی که شاه صفوی در این نامه برای همایون قایل شده است، ذکر کرده که تقریباً شامل ۲۵۰۰ کلمه می‌باشد و حدود ۲۰ صفحه از کتاب را در بر می‌گیرد.^{۲۱} پرفسور با ناری پراساد ساکسنا Banarsi prasad saxena از دانشگاه الله آباد نیز شرحی در مورد مؤلف و کتاب وی منتشر کرده و می‌نویسد:

ارزش اطلاعات ارائه شده توسط نویسنده هم از نظر حجم و هم از نظر کیفیت دارای برتری می‌باشد... البته زبان استفاده شده توسط وی تقریباً سست و عامیانه بوده و جملاتش غالباً ناقص هستند و مؤلف تسلطی برسبک خاصی از نگارش متداول نداشته است.^{۲۲}

بایزید در بیان تاریخ وقوع حوادث نیز اغلب دچار اشتباه شده و تاریخ‌هایی را که ذکر کرده با تاریخ دقیق و حقیقی آن تفاوت فاحش دارد، چنانکه وی فتح قلعه قندهار را در آخر سنه ۹۴۰ هجری دانسته^{۲۳} ولی تاریخ دقیق آن ۲۵ جمادی‌الثانی ۹۵۲ هـ / سپتامبر ۱۵۴۵ م است.^{۲۴} همچنین وی تصرف قندهار را توسط همایون در سال ۹۴۱ هجری دانسته^{۲۵} که اینطور نیست و شهر در همان سال ۹۵۲ هجری توسط قوای هندی تصرف گردید.^{۲۶} تاریخ تولد اکبر را نیز «شب دوشنبه ششم نهمد و چهل و شش»^{۲۷} آورده، در حالی که به روایت اکبرنامه تاریخ این واقعه شب یکشنبه پنجم ماه رجب سال ۹۴۹ هجری بوده است.^{۲۸}

محتوای کتاب

تذکره همایون و اکبر در بردارنده وقایع سیزده سال آخر سلطنت همایون از سال ۹۴۹ هـ / ۱۵۴۲ م تا سال ۹۶۳ هـ / ۱۵۵۶ م و نیز به طور ضمیمه وقایع دوران پادشاهی جانشین وی جلال الدین محمد اکبر (۱۰۱۴ - ۹۶۳ هـ / ۱۶۰۵ - ۱۵۵۶ م) تا سال ۹۹۹ هـ / ۱۵۹۰ م می باشد. کتاب به چهاربخش اصلی به ترتیب زیر تقسیم شده است:

۱. وقایع تاریخ سالهای ۹۴۹ هـ / ۱۵۴۲ م تا ۹۵۳ هـ / ۱۵۴۶ م تحت عنوان «فصل اول در سفر همایون پادشاه از بکر (بهکر) به طرف خراسان و عراق و طواف روضه مقدسه سیدنا امام ابوالحسن علی الرضا بن موسی الکاظم علیهما السلام و آنچه درین سفر روی نمود».^{۲۹}

۲. وقایع تاریخی سالهای ۹۵۳ هـ / ۱۵۴۶ م تا ۹۵۹ هـ / ۱۵۵۱ م تحت عنوان «فصل دوم در بیان واقعاتی که در سنه ۹۵۳ به ظهور آمد».^{۳۰}

۳. وقایع تاریخی سالهای ۹۵۹ هـ / ۱۵۵۱ م تا ۹۶۱ هـ / ۱۵۵۳ م تحت عنوان «فصل سوم برآمدن مرزا (میرزا) کامران و مرزا عسکری از کولاب و خبر یافتن همایون پادشاه از بغاوت ایشان و متوجه شدن دره قبیچاق به جهت دفع و رفع مرزا کامران و دیگر سوانح».^{۳۱}

۴. وقایع تاریخی ۹۶۱ هـ / ۱۵۵۳ م تا ۹۹۹ هـ / ۱۵۹۰ م که مفصل ترین بخش کتاب است ولی با عنوانی خلاصه «فصل چهارم در فتح هندوستان».^{۳۲}

از ویژگیهای مهم این اثر، اشاره به برخی مسایل اجتماعی و آداب و رسوم رایج در قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی در سرزمین هندوستان و یا ایران عصر صفوی است. بایزید به برپایی «نماز عید فطر در مشهد»^{۳۳} و چگونگی رویت ماه، «گرگ دوانی و چوگان بازی مردم تبریز»^{۳۴} مسابقاتی نظیر «قبق انداختن»^{۳۵} «مراسم ختنه سوران»^{۳۶} اکبر فرزند همایون و «آیین بندی باغها» به این مناسبت، «شرح کشتی گرفتن»^{۳۷} و «مراسم شکار همایون» اشاراتی کرده است. بیات همچنین ضمن نام بردن از برخی مشاهیر و هنرمندان و نقاشان این دوره، شرح نسبتاً مفصلی از کارهای ایشان ارائه داده است. وی از دو نقاش مشهور ایرانی به نامهای «ملا عبدالصمد مصور» و «میر سیدعلی تبریزی» که از شاگردان ممتاز استاد کمال الدین بهزاد بودند و بنا به دعوت همایون به هند رفتند، نام برده و می نویسد:

ملا عبدالصمد، شیرین قلم «گوی سبقت از اقران برده» و میر سیدعلی مصور نادرالعصری است که «در تصویر نظیر ندارد».^{۳۸}

این دو نقاش ایرانی در زمره بنیانگذاران مکتب نقاشی در هند محسوب می‌شوند.^{۳۹} این هنرمندان در دوران اکبر نیز همچنان مورد توجه و التفات دربار هند قرار داشتند. از دیگر نکات ارزشمند کتاب اشاره به نقش و تأثیر ایرانیان در قلمروی گورکانیان هند است.

اشخاصی نظیر بیرام بیگ بهارلو (بیرم خان) که از ترکمانان قراقویونلو و از تیره بهارلو و شیعه مذهب بود. او با علاقه‌ای که به این مذهب و ایران داشت در هنگام سرگردانی همایون به وی توصیه کرد که به ایران پناهنده شده و از شاه صفوی کمک بخواهد.^{۴۰} همچنین حسین قلی سلطان شاملو برادر حاکم سیستان که پس از مراجعت همایون به هند به خدمت وی درآمد و با فداکاری و دانایی کسب شهرت نمود و به سمت مهرداری همایون نایل گردید و معمولاً در امور مهم طرف مشورت قرار می‌گرفت.^{۴۱} به هر صورت ایرانیان زیادی در این ایام به خدمت دربار هند درآمدند و به مقامات مهمی نیز دست یافتند.^{۴۲} از آن جایی که تذکره همایون و اکبر حاوی اطلاعاتی از روابط دو پادشاه هند با پادشاهان ایران است، برای مطالعه تاریخ دوره صفوی و به ویژه دوره حکومت شاه تهماسب در کنار سایر منابع این دوره حائز اهمیت می‌باشد.

نسخ خطی

ویلیام ارسکین William Erskine (۱۸۵۲-۱۷۷۳ م) مورخ و شرق‌شناس فقید انگلیسی، اولین شخصی بود که در سال ۷۱- ۱۲۷۰ هـ / ۱۸۵۴ م توجه تاریخ پژوهان را به سمت این منبع ارزشمند هدایت کرد و مکرراً در کتاب تاریخی خویش راجع به سلطنت همایون از آن نقل قول کرده است.^{۴۳} چنانکه از خاتمه کتاب تذکره همایون و اکبر معلوم می‌شود ۹ نسخه از روی نسخه اصلی آن تهیه شده بود، اما مصحح در زمان چاپ کتاب به سال ۱۳۶۰ هـ. / ۱۹۴۱ م غیر از نسخه دیوان هند (ایندیآ آفیس) از نسخه‌های دیگر اطلاعی در دست نداشته است.

در کاتولوگ شماره ۲۲۳ دیوان هند که توسط هرمان اته Herman Eth'e دانشمند آلمانی تنظیم یافته، این اثر تاریخ همایون نامیده شده است، اما این عنوان توسط مؤلف کتاب یعنی بایزید بیات به کار گرفته نشده است. او فقط این کلمات را به کار می‌برد: «مختصر» و «تذکره».^{۴۴} بر این اساس پروفیسور سوکمار رای نیز تحت عنوان تاریخ مختصر از آن یاد می‌کند.^{۴۵} اما از آن جایی که بخش آخر کتاب به حوادث دوران سلطنت

اکبرشاه پرداخته است، هدایت حسین عنوان تذکره همایون و اکبر را مناسب تر از عنوان های دیگر تشخیص داده و آن را برای این اثر برگزیده است.^{۴۶}

کتاب بر اساس نسخه خطی منحصر به فرد آن که با عنوان تاریخ همایونی بایزید بیات در کتابخانه دیوان هند به شماره ۲۱۶ نگهداری می شود، از سوی انجمن سلطنتی بنگال در کلکته به سال ۱۳۶۰ هـ / ۱۹۴۱ م / ۱۳۲۰ ش به چاپ رسید.

این اثر در ایران نیز به همان صورت اولیه و به شکل افست از سوی انتشارات اساطیر در سال ۱۳۸۲ ش به چاپ رسیده است.

تصحیح کتاب

مصحح محترم در کار تصحیح این تذکره از منابع مختلفی نظیر اکبرنامه اثر ابوالفضل مبارک، منتخب التواریخ اثر عبدالقادر بداونی^{۴۷} و مآثر رحیمی اثر عبدالباقی نهاوندی^{۴۸} و ترجمه انگلیسی آنها بهره برده و در پاورقی به آنها اشاره کرده است. با این وجود هدایت حسین به سختی و دشواری تصحیح و نشر اثری تنها بر اساس یک نسخه خطی به ویژه که زبان و سبک نگارش آن نیز بسیار ناقص و قدیمی باشد، اشاره کرده است. در پایان این بررسی، ضمن ارج نهادن به تلاش ارزشمند انتشار چنین اثر تاریخی، چند نکته قابل توجه را یادآوری می نماید:

۱. اگرچه کتاب به لحاظ حفظ اصالت متن کهن به همان صورت اولیه در کلکته چاپ شده و ممکن است برای خواننده آگاه و مسلط به زبان فارسی در هندوستان و پاکستان، قابل فهم باشد ولی نثر قدیمی آن که به صورت گویش محلی و لهجه خاص مؤلف یا کاتب نگارش یافته، برخی مواقع برای خواننده ایرانی تا حدی دشوار است.

انشای کتاب در عین سادگی به خاطر عامیانه یا شفاهی بودن گفتار بایزید، گاه پیچیده و مغلق و حتی گاه نامفهوم است. به عنوان نمونه تنها به یک مورد اشاره می شود: بعضی از خوانین و سلاطین و غیره و از یکه جوانان هرکس در کابل بود با اسباب سپاهگری مکمل و مسلح جمع شده از عقب مخالفان متوجه شدند و در قرة باغ هراول لشکر حضرت بقرجه و جمعی دیگر چند اول بسی خود شده بودند؟ رسیدند کس نتوانستند نمود؟ بتعجیل تمام روان شدند.

مصحح اثر در این جا خود نیز دقیقاً متوجه مفهوم نشده و می نویسد: «عبارت کتاب اینجا صاف در فهم این کمترین نیامد».

۲. کاتب تذکره همایون و اکبر به پیروی از وی مصحح اثر در کار خود رسم الخط خاصی را اختیار کرده‌اند که ظاهراً در هندوستان رایج بوده ولی در نشرهای دیگر فارسی حتی منابع معاصر با آن دوره، یا آثار متداول در ایران دیده نمی‌شود و امروزه چندان رایج و قابل فهم و ربط نیست. از برخی اصطلاحات و ترکیبات قدیمی یا محلی یا واژگان نامأنوس نیز در متن استفاده شده، بدون آنکه توضیح لازم برای رفع ابهام در مورد آنها ارائه شده باشد.

۳. مصحح محترم کلمات را مثل نسخه خطی کتاب متصل به هم نوشته است و این گاه موجب بدخوانی متن می‌شود. همچنین به ندرت از علایم سجاوندی نظیر نقطه، ویرگول و... در تصحیح متن بهره برده است و این موجب آن شده تا قرائتهای دشوار متن همچنان باقی بماند.

۴. بسیاری از واژه‌ها، مکان‌ها و اعلام کتاب به صورتهای گوناگون و متفاوت ضبط شده است نظیر:

پادشاه، بادشاه / هرات، هرای / چوگان، جوکان / درگاه، درگا / چارباغ، چهارباغ / طهماسب، طهماس.

۵. بسیاری از اعلام جغرافیایی حداقل برای خواننده غیر بومی ناآشنا است و مصحح محترم توضیحی در مورد محل دقیق مکان، نام گذشته و کنونی آنها ارائه نداده است.

۶. از محاسن عمده این اثر داشتن نمایه «فهرست الرجال» و «اسماء مواضع آبها و غیره» است که در پایان کتاب چاپ کلکته آمده و اکنون نیز به همان صورت در ایران افست شده است. با این همه انتشار این اثر و آثاری مشابه آن که در خارج از قلمروی سیاسی ایران و به زبان فارسی تألیف یافته و در ارتباط نزدیک با تاریخ و فرهنگ ایران قرار دارد، قابل تقدیر است زیرا نشر این گونه آثار، گسترده‌گی حوزه تمدن و فرهنگ و هنر و زبان ایرانی را نمایان می‌سازد. امید است که در چاپ‌های بعدی کتاب همراه با تصحیحی جدید، اشکالات فوق نیز برطرف گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بایزید بیات، تذکره همایون و اکبر، به سعی و تصحیح محمد هدایت حسین، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲، مقدمه انگلیسی، ص ۷.

۲. جوهر آفتابه دار همایون، مردی کم سواد بود که مدت ۲۵ سال را در خدمت همایون گذراند. او به عنوان قابل اعتمادترین نویسنده مورد توجه مورخان هندی قرار گرفته است.
۳. رای، سوکمار، همایون در ایران، ترجمه کیوان فروزنده شهرکی، تهران: نشرآرون، ۱۳۸۳، ص ۱۳، ۱۵۸.
۴. بایزید بیات، ص ۲، ۱۱، ۶۸، ۱۴۸، ۲۳۵، ۲۷۳، ۱۲-۳۱۰، ۳۳۳، ۳۶۶، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۷.
۵. بایمت اف، لقمان، «همایون‌نامه» گلبدن بیگم (۱۶۰۳-۱۵۲۲ م / ۱۰۱۱-۹۰۳ ه.ق)، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ۱۴، ص ۲، ش ۲، آذر ۱۳۷۷، ص ۲۱-۱۸، همچنین. ن. ک، غروی، محمد، «گلبدن بانو و کتابش، همایون‌نامه» هنر و مردم، دوره جدید، ش ۹۱ (۱۳۴۹)، ص ۳۷-۲۹.
۶. رای، ص ۱۶۰.
۷. خواندمیر، مآثرالملوک، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۷۲.
۸. جوهر، آفتاب، تاریخ تذکره‌نویسی در هند و پاکستان، تیموریان بزرگ از بابر تا اورنگ ۱۱۱۸-۹۳۲ ه.ق، لاهور: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ش، ص ۱۰۵.
۹. بایزید بیات، ص ۳.
۱۰. همان، ص ۲.
۱۱. رای، ص ۱۵۹.
۱۲. بایزید بیات، ص ۲.
۱۳. همان، ص ۳۳، ۷۶.
۱۴. همان، ص ۸-۳۷.
۱۵. ن. گ، همان، ص ۳۹۲.
۱۶. همان، مقدمه انگلیسی، ص vii.
۱۷. رای، ص ۱۵۹.
۱۸. بایزید بیات، ص ۱۷۹، ۳۷۷.
۱۹. جوهر، ص ۱۰۵.
۲۰. بایزید بیات، ص ۷-۴، ۳-۵۲.
۲۱. همان، ص ۳۱-۱۲.
۲۲. همان، مقدمه انگلیسی، ص vii.
۲۳. همان، ص ۴۱.
۲۴. ن. ک: ریاض الاسلام، تاریخ روابط ایران و هند در دوره صفویه و افشاریه ۱۱۵۸-۹۱۶ ه.ق / ۱۷۴۵-۱۵۱۰ م، ترجمه محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳، ص ۳۵۱.
۲۵. بایزید بیات، ص ۵۱.
۲۶. ریاض الاسلام ص ۹-۷۶.
۲۷. بایزید بیات، ص ۴۶.
۲۸. شیخ ابوالفضل مبارک، اکبرنامه، تاریخ گورکانیان هند، جداول، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۲، ص ۲۷۳.

۲۹. پایزید بیات، ص ۲۶۱-۲۶۰.
۳۰. همان، ص ۱۲۵-۶۱.
۳۱. همان، ص ۱۷۶-۱۲۵.
۳۲. همان، ص ۳۷۸-۱۷۶، همانطور که مشاهده می‌شود این فصل مفصل‌ترین بخش کتاب است.
۳۳. همان، ص ۳۷-۸.
۳۴. همان، ص ۳۶-۷، شیخ ابوالفضل مبارک، ج ۱، ص ۳۲۶.
۳۵. همان، ص ۳۴.
۳۶. همان، ص ۵۹-۶۰.
۳۷. به روایت پایزید، همایون در دولتنخانه با امام قلی قورچی کشتی گرفت و سایر امرا نیز دو به دو با یکدیگر کشتی گرفتند، ص ۶۰.
۳۸. همان، ص ۶۸؛ همچنین ن. ک: شیخ ابوالفضل مبارک، ج ۱، ص ۴۲۹ همایون در تبریز با این دو نقاش آشنا شده بود، سوکمار رای، ص ۹۶ ح.
۳۹. ریاض الاسلام، ص ۲۵۰، همچنین ن. ک: نوایی، عبدالحسین، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران، نشرهما، ۱۳۶۴، ص ۹-۱۸۳.
۴۰. رای، ص ۲۱ ح، ۲۴، ریاض الاسلام، ص ۵۴.
۴۱. پایزید بیات، ص ۵۱.
۴۲. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ن. ک. ریاض الاسلام، ص ۲۴۹-۳، ۲۹۲-۳، ۲۹۵.
۴۳. پایزید بیات، مقدمه انگلیسی، ص Vi، جوهر، ص ۱۰۵.
۴۴. همان، ص ۱۳۶، ۲۲۰، ۲۶۹.
۴۵. رای، ص ۱۴، ۱۵۸.
۴۶. پایزید بیات، مقدمه انگلیسی، ص Vi.
۴۷. این کتاب با این مشخصات در ایران تجدید چاپ شده است، بداؤنی، عبدالقادر بن ملوک شاه، منتخب‌التواریخ، تصحیح مولوی احمدعلی صاحب، مقدمه و اضافات توفیق ه. سبحانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۳ جلد، جلد اول و دوم (۱۳۷۹)، جلد سوم ۱۳۸۱.
۴۸. بخشی از این کتاب در ایران با این مشخصات به چاپ رسیده است: نهاوندی، عبدالباقی، مآثر رحیمی (بخش سوم: زندگینامه‌ها)، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.